# سیر تکاملی مکاتب اقتصادی: از باستان تا دوران معاصر

**در اینجا سیر تکاملی مهم‌ترین مکاتب اقتصادی به‌صورت خلاصه، با ذکر بنیان‌گذاران کلیدی، دیدگاه‌های اصلی، اساس شکل‌گیری و فروپاشی، ارتباطات بین مکاتب، و مزایا و معایب هر یک ارائه می‌شود. نکات امتحانی نیز در هر بخش مشخص شده‌اند.**

## 1. عقاید اقتصادی در دوران باستان و قرون وسطی

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- **یونان باستان: سولون، سقراط، افلاطون، ارسطو.**
- **روم باستان: فلاسفه و فقهای رومی (تأثیر غیرمستقیم).**
- **قرون وسطی: فلاسفه اسکولاستیک مانند توماس آکویناس (Thomas Aquinas).**

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- **یونان باستان:**
  - **سولون: عدالت مالیاتی (مالیات تصاعدی)، مبارزه با بیکاری، محدودیت مصرف پرهزینه، تشویق صادرات.**
  - **سقراط: ثروت به‌خودی‌خود هدف نیست؛ سعادت حقیقی از طریق فضیلت و اخلاق حاصل می‌شود، نه لذت مادی.**
  - **افلاطون: جامعه‌ای طبقاتی بر پایه عدالت؛ دولت اشتراکی برای طبقه حاکم (فیلسوفان)؛ محکومیت ربا و تمرکز ثروت؛ مداخله‌گری دولت در اقتصاد.**
  - **ارسطو: تمایز بین "اقتصاد" (تولید برای نیاز) و "خردات" (تولید برای سود)؛ محکومیت ربا؛ ارزش کالا بر اساس مطلوبیت و هزینه تولید.**
- **قرون وسطی (اسکولاستیسم):**
  - **اقتصاد بر پایه اصول اخلاقی و عدالت الهی.**
  - **مفهوم "قیمت عادلانه" (Just Price) که با هزینه تولید یا منفعت مصرف‌کننده تعیین می‌شد.**
  - **محکومیت شدید ربا (سود) به‌عنوان ناعادلانه.**
  - **ترکیب فلسفه ارسطویی با تعالیم مسیحیت.**

**اساس شکل‌گیری:**

- **در یونان، پاسخ به چالش‌های سیاسی و اجتماعی شهر-دولت‌ها (Polis).**
- **در قرون وسطی، سلطه کلیسای کاتولیک و نیاز به توجیه اقتصادی بر اساس اصول دینی.**

**فروریختن/انتقال:**

- **با ظهور رنسانس و رویکرد علمی-تجربی، این اندیشه‌ها که بیشتر نُرم‌افزاری و اخلاقی بودند، جای خود را به تحلیل‌های ساختاری‌تر دادند.**

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- افکار ارسطو پایه‌ای برای اسکولاستیسم و بعدها برای مکاتب کلاسیک شد.
- مفاهیم عدالت و اخلاق در مکاتب بعدی مانند سوسیالیسم و اقتصاد رفاه بازتاب یافت.

**مزایا و معایب:**

- مزایا: تأکید بر عدالت اجتماعی، اخلاق در اقتصاد، و نقد تمرکز ثروت.
- معایب: عدم وجود چارچوب تحلیلی علمی، وابستگی شدید به فلسفه و دین، نادیده گرفتن مکانیزم‌های بازار.

**نکات امتحانی:**

- افلاطون در کتاب "جمهوری"، مدینه فاضله را جامعه‌ای اشتراکی معرفی می‌کند.
- ارسطو تمایز بین ارزش استفاده و ارزش مبادله را بیان کرد.
- هر دو افلاطون و ارسطو ربا را محکوم می‌کردند.
- در قرون وسطی، "قیمت عادلانه" و "محکومیت ربا" از اصول اسکولاستیسم بود.

---

## 2. مکتب مرکانتیلیست‌ها (Mercantilism)

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- نامشخص (مجموعه‌ای از سیاست‌گذاران و سوداگران)، اما آدام اسمیت اصطلاح "مرکانتیلیسم" را برای توصیف آن‌ها ابداع کرد.

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- ثروت ملی = انباشت طلا و نقره.
- صادرات > واردات (برای ایجاد مازاد تجاری و جذب فلزات گران‌بها).
- مداخله‌گری شدید دولت در اقتصاد (تعرفه‌ها، یارانه‌ها، محدودیت واردات).
- مستعمرات به‌عنوان منبع خام‌افزار و بازار برای کالاهای صادراتی.

**اساس شکل‌گیری:**

- ظهور دولت‌های ملی در اروپا پس از فروپاشی فئودالیسم.
- نیاز به تقویت قدرت نظامی و اقتصادی در رقابت بین‌المللی.

**فروریختن/انتقال:**

- انتقاد آدام اسمیت در کتاب "ثروت ملل" (1776) که ثروت را ناشی از تولید و تقسیم کار دانست، نه انباشت طلا.
- ظهور مکتب کلاسیک.

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- واکنش مستقیم به آن، مکتب کلاسیک بود.
- برخی ایده‌های آن (مانند مداخله دولت) در مکاتب ناسیونالیستی و کینزی بازگشت.

**مزایا و معایب:**

- مزایا: تقویت صنایع داخلی در مراحل اولیه توسعه.
- معایب: تمرکز اشتباه بر فلزات گران‌بها، ایجاد جنگ‌های تجاری، نادیده گرفتن منافع متقابل در تجارت.

**نکات امتحانی:**

- مرکانتیلیست‌ها فعالیت‌های کشاورزی و صنعت را "غیرمولد" می‌دانستند!
- آدام اسمیت اولین کسی بود که اصطلاح "مرکانتیلیسم" را به‌کار برد.

---

## 3. مکتب فیزیوکرات‌ها (Physiocrats)

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- فرانسوا کِنِه (**François Quesnay**).

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- تنها بخش کشاورزی "مولد" است (چون از طبیعت هدیه می‌گیرد).
- "اجازه دهید طبیعت روند خود را بپیماید" (**Laissez-faire, Laissez-passer**).
- جدول اقتصادی (**Tableau Économique**) کِنه: اولین مدل چرخش درآمد در اقتصاد.
- مالیات واحد بر زمین (به‌جای مالیات‌های متعدد).

**اساس شکل‌گیری:**

- واکنش به مرکانتیلیسم و وضعیت بد کشاورزان در فرانسه.

**فروریختن/انتقال:**

- انتقاد آدام اسمیت که تولید را در همه بخش‌ها مولد دانست.
- جذب ایده‌های آزادی اقتصادی توسط مکتب کلاسیک.

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- پلی بین مرکانتیلیسم و کلاسیک؛ اولین مکتبی که به دنبال یک "علم" اقتصادی بود.

**مزایا و معایب:**

- **مزایا: تأکید بر آزادی اقتصادی، اولین مدل سیستماتیک اقتصاد کلان.**
- **معایب: تعریف اشتباه از بخش مولد (فقط کشاورزی).**

**نکات امتحانی:**

- **فیزیوکرات‌ها تنها کشاورزی را بخش مولد می‌دانستند.**
- **شعار آن‌ها "Laissez-faire" بود.**

---

## 4. مکتب کلاسیک (Classical Economics)

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- **آدام اسمیت (Adam Smith)، دیوید ریکاردو (David Ricardo)، توماس مالتوس (Thomas Malthus)، جان استوارت میل (John Stuart Mill).**

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- **اسمیت: "دست نامرئی" بازار، تقسیم کار، آزادی تجارت.**
- **ریکاردو: نظریه مزیت نسبی، نظریه ارزش کار.**
- **مالتوس: جمعیت با نرخ هندسی و غذا با نرخ حسابی رشد می‌کند ← فقر اجتناب‌ناپذیر.**
- **اقتصاد خودتنظیم‌شونده (Say's Law: عرضه، تقاضا را ایجاد می‌کند).**

**اساس شکل‌گیری:**

- **انقلاب صنعتی و نیاز به توجیه سرمایه‌داری آزاد.**

**فروریختن/انتقال:**

- **ناتوانی در توضیح بحران‌های اقتصادی (مثل رکود بزرگ).**
- **ظهور مکاتب کینزی و مارکسیستی به‌عنوان واکنش.**

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- **پایه‌ای برای نئوکلاسیک (با تأکید بر آزادی بازار).**
- **مارکس از نظریه ارزش کار ریکاردو استفاده کرد.**

**مزایا و معایب:**

- **مزایا: توجیه کارایی بازار، پایه‌های علم اقتصاد مدرن.**
- **معایب: نادیده گرفتن نابرابری، بحران‌ها، و نقش دولت.**

**نکات امتحانی:**

- **آدام اسمیت پدر علم اقتصاد محسوب می‌شود (اگرچه برخی ابن خلدون را می‌دانند).**
- **قانون سِی: "عرضه، تقاضا را ایجاد می‌کند."**

---

## 5. مکتب ناسیونالیسم اقتصادی (Economic Nationalism)

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- **فردریش لیست (Friedrich List).**

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- **مخالفت با آزادی مطلق تجارت (برخلاف اسمیت).**
- **حمایت از صنایع نوزاد (Infant Industry Argument).**
- **اولویت به منافع ملی بر منافع جهانی.**
- **توسعه نیروهای تولیدی (Productive Powers) مهم‌تر از ثروت فعلی است.**

**اساس شکل‌گیری:**

- **نیاز کشورهای عقب‌مانده (مثل آلمان و آمریکا) به رقابت با بریتانیا.**

**فروریختن/انتقال:**

- **با پیروزی ایده‌های آزادی‌طلبانه در قرن ۲۰ کمرنگ شد، اما در دوران بحران‌ها (مثل رکود بزرگ) بازگشت.**

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- **ترکیبی از مرکانتیلیسم و کلاسیک.**
- **تأثیر بر سیاست‌های صنعتی کشورهای در حال توسعه.**

**مزایا و معایب:**

- **مزایا: راهبردی برای توسعه کشورهای عقب‌مانده.**
- **معایب: خطر ایجاد صنایع ناکارآمد، جنگ‌های تجاری.**

**نکات امتحانی:**

- **لیست "نظریه صنای**

***thumb_upthumb_down***

**ادامه بده**

# سیر تکاملی مکاتب اقتصادی: از باستان تا دوران معاصر (ادامه)

## 5. مکتب ناسیونالیسم اقتصادی (Economic Nationalism)

**بنیان‌گذار/چهره کلیدی:**

- **فردریش لیست (Friedrich List)**

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- **مخالفت شدید با آزادی مطلق تجارت بین‌المللی (برخلاف آدام اسمیت).**
- **نظریه صنایع نوزاد (Infant Industry Argument): کشورهای عقب‌مانده باید صنایع جوان خود را با تعرفه و مداخله دولتی در برابر رقابت خارجی محافظت کنند.**
- **اولویت به منافع ملی: ثروت ملی مهم‌تر از ثروت جهانی است.**
- **توسعه نیروهای تولیدی (Productive Powers): ظرفیت تولیدی یک کشور مهم‌تر از ثروت فعلی آن است.**

**اساس شکل‌گیری:**

- **نیاز کشورهای عقب‌مانده اروپایی (مثل آلمان) و آمریکا برای رقابت با قدرت صنعتی بریتانیا در قرن نوزدهم.**

**فروریختن/انتقال:**

- **با پیروزی ایدئولوژی آزادی‌طلبی در قرن بیستم کمرنگ شد، اما در دوران بحران‌ها (مثل رکود بزرگ) و در سیاست‌های کشورهای در حال توسعه (مثل کره جنوبی) بازگشت.**

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- **ترکیبی از ایده‌های مرکانتیلیستی (مداخله دولت) و کلاسیک (تأکید بر تولید).**
- **پیش‌درآمدی بر سیاست‌های صنعتی در اقتصاد توسعه.**

**مزایا و معایب:**

- **مزایا: راهبرد عملی برای توسعه کشورهای عقب‌مانده؛ حفظ استقلال اقتصادی.**

- معایب: خطر ایجاد صنایع ناکارآمد و وابسته به حمایت دولت؛ افزایش هزینه‌های مصرف‌کننده.

**نکات امتحانی:**

- لیست کتاب "سیستم ملی اقتصاد سیاسی" را نوشت.
- او "توسعه نیروهای تولیدی" را مهم‌تر از "ثروت فعلی" می‌دانست.

---

## 6. مکتب سوسیالیسم (Socialism)

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- سوسیالیست‌های آرمان‌گرا (Utopian Socialists): سنت سیمون، چارلز فوریه، رابرت اوون.
- سوسیالیست‌های علمی: کارل مارکس و فریدریش انگلس.

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- سوسیالیست‌های آرمان‌گرا: ایجاد جوامع کوچک اشتراکی بر پایه همکاری و عدالت؛ انتقاد از نابرابری‌های سرمایه‌داری.
- سوسیالیست‌های علمی (مارکسیسم):
  - نقد سرسخت سرمایه‌داری بر پایه نظریه ارزش کار.
  - پیش‌بینی فروپاشی ذاتی سرمایه‌داری.
  - ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و انتقال به جامعه بدون طبقه.

**اساس شکل‌گیری:**

- واکنش به نابرابری‌ها و بحران‌های سرمایه‌داری در انقلاب صنعتی.

**فروریختن/انتقال:**

- سوسیالیست‌های آرمان‌گرا به‌دلیل غیرعملی بودن جوامع کوچکشان فراموش شدند.
- مارکسیسم پایه‌ای برای انقلاب‌های کمونیستی (روسیه، چین) شد، اما با فروپاشی شوروی (1991) اعتبار خود را از دست داد.

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- مارکس از نظریه ارزش کار ریکاردو (کلاسیک) استفاده کرد.
- کینزیسم و اقتصاد رفاه به‌عنوان جایگزینی برای جلوگیری از انقلاب سوسیالیستی شکل گرفت.

**مزایا و معایب:**

- مزایا: تأکید بر عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری.

- معایب: نادیده گرفتن انگیزه‌های فردی، ناکارآمدی اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده.

**نکات امتحانی:**

- سوسیالیست‌های آرمان‌گرا بر همکاری تأکید داشتند، نه انقلاب.
- مارکس "مانیفستوی کمونیستی" (1848) و "سرمایه" را نوشت.

---

## 7. مکتب تاریخی (Historical School)

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- مکتب تاریخی قدیم: ویلهلم روشر، برونو هیلدبراند.
- مکتب تاریخی جدید: گوستاو شمولر.

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- رد نظریه‌های کلی و انتزاعی اقتصاد کلاسیک.
- تأکید بر مطالعه تاریخی و تجربی اقتصاد هر کشور.
- اقتصاد باید بر پایه اخلاق، فرهنگ و نهادهای خاص هر جامعه باشد.
- حمایت از اصلاحات اجتماعی و نقش فعال دولت (پیش‌درآمد کینزیسم).

**اساس شکل‌گیری:**

- واکنش به جهان‌شمولی مکتب کلاسیک؛ نیاز آلمان به مدل توسعه متفاوت از بریتانیا.

**فروریختن/انتقال:**

- با ظهور نئوکلاسیک و روش‌شناسی ریاضی، اعتبار خود را از دست داد.
- اما ایده‌های آن در اقتصاد توسعه و مؤسسات‌گرایی بازتاب یافت.

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- پیش‌درآمدی بر اقتصاد مؤسساتی (مثل وِبلن).
- تأثیر مستقیم بر سیاست‌های بیسمارک در آلمان (بیمه‌های اجتماعی).

**مزایا و معایب:**

- مزایا: درک عمیق از زمینه‌های فرهنگی و تاریخی اقتصاد.
- معایب: عدم ارائه چارچوب تحلیلی کلی؛ ذهنیت‌گرایی.

**نکات امتحانی:**

- **مکتب تاریخی آلمانی بود و در مقابل مکتب کلاسیک بریتانیایی ایستاد.**
- **آن‌ها "روش تاریخی" را جایگزین "روش استنتاجی" کردند.**

---

## 8. مکتب مارکسیسم (Marxism)

**بنیان‌گذاران:**

- **کارل مارکس و فریدریش انگلس**

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- **نظریه ارزش کار: ارزش کالا توسط زمان کار اجتماعی لازم برای تولید آن تعیین می‌شود.**
- **نظریه بیش‌ارزش (Surplus Value): سود سرمایه‌داران ناشی از بهره‌کشی از کارگران است.**
- **تناقضات ذاتی سرمایه‌داری: تمرکز سرمایه، بیکاری، بحران‌های اقتصادی.**
- **فروپاشی ذاتی سرمایه‌داری و جایگزینی آن با کمونیسم.**

**اساس شکل‌گیری:**

- **شرایط کارگران در انقلاب صنعتی و نقد سرسخت سرمایه‌داری.**

**فروریختن/انتقال:**

- **با فروپاشی شوروی و اقتصادهای برنامه‌ریزی‌شده، اعتبار علمی آن کمرنگ شد.**
- **اما برخی ایده‌های آن (مثل نقد نابرابری) در اقتصاد رادیکال باقی ماند.**

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- **از ریکاردو (کلاسیک) الهام گرفت، اما آن را به ابزاری برای نقد سرمایه‌داری تبدیل کرد.**
- **کینزیسم و اقتصاد رفاه به‌عنوان راه‌حلی برای جلوگیری از انقلاب مارکسیستی شکل گرفت.**

**مزایا و معایب:**

- **مزایا: نقد قدرتمند نابرابری و بهره‌کشی؛ تحلیل ساختاری سرمایه‌داری.**
- **معایب: پیش‌بینی‌های نادرست (مثل فروپاشی ذاتی سرمایه‌داری)؛ نادیده گرفتن انگیزه‌های فردی.**

**نکات امتحانی:**

- مارکس در کتاب "سرمایه"، نظریه بیش‌ارزش را مطرح کرد.
- او سرمایه‌داری را سیستمی ذاتاً بحران‌زا می‌دانست.

---

## 9. مکتب نئوکلاسیک (Neoclassical Economics)

**بنیان‌گذاران/چهره‌های کلیدی:**

- ولیام استنلی جِوُنس (**William Stanley Jevons**)، کارل منگِر (**Carl Menger**)، لئون والراس (**Léon Walras**).

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- انقلاب حدی (**Marginal Revolution**): ارزش کالا بر اساس مطلوبیت نهایی (**Marginal Utility**) تعیین می‌شود، نه هزینه تولید.
- تعادل عمومی: والراس مدلی از تعادل همزمان در تمام بازارها ارائه داد.
- فردگرایی روش‌شناختی: تحلیل از سطح فرد شروع می‌شود.
- بازارهای رقابتی به‌طور خودکار به کارایی (**Pareto Efficiency**) می‌رسند.

**اساس شکل‌گیری:**

- نیاز به پاسخ به انتقادات سوسیالیستی و مارکسیستی؛ تمایل به ریاضی‌سازی اقتصاد.

**فروریختن/انتقال:**

- با رکود بزرگ (**1929**) ناتوانی آن در توضیح بحران‌ها آشکار شد.
- کینزیسم به‌عنوان جایگزین موقت ظهور کرد، اما نئوکلاسیک در دهه **1970** با "سنتز نئوکلاسیک-کینزی" بازگشت.

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- ترکیبی از ایده‌های کلاسیک (آزادی بازار) و روش‌شناسی جدید (مطلوبیت نهایی).
- پایه‌ای برای اقتصاد خرد مدرن.

**مزایا و معایب:**

- مزایا: چارچوب تحلیلی دقیق برای رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده؛ کارایی بازار.
- معایب: فرضیات غیرواقع‌بینانه (مثل عقلانیت کامل)؛ نادیده گرفتن بحران‌ها و نابرابری.

**نکات امتحانی:**

- انقلاب حدی در دهه **1870** رخ داد.

- والراس "تعادل عمومی" و مارشال "تعادل جزئی" را مطرح کردند.

---

## 10. مکتب کینزی (Keynesian Economics)

**بنیان‌گذار:**

- جان مینارد کینز (John Maynard Keynes)

**دیدگاه‌ها و نظریات:**

- نقد قانون سِی: عرضه لزوماً تقاضا را ایجاد نمی‌کند.
- تقاضای کل (Aggregate Demand) تعیین‌کننده اصلی تولید و اشتغال است.
- بیکاری داوطلبانه می‌تواند در بلندمدت ادامه یابد.
- مداخله فعال دولت از طریق سیاست‌های مالی (هزینه و مالیات) و پولی برای مدیریت چرخه کسب‌وکار.

**اساس شکل‌گیری:**

- ناتوانی مکتب کلاسیک/نئوکلاسیک در توضیح و حل رکود بزرگ (1929).

**فروریختن/انتقال:**

- در دهه 1970 با تورم‌های بالا و بیکاری همزمان (Stagflation)، اعتبار خود را از دست داد.
- مکاتب نئوکلاسیک پولی و نئوکلاسیک جدید جایگزین آن شدند.

**ارتباط با مکاتب دیگر:**

- ترکیبی از ایده‌های کلاسیک (در بلندمدت) و مداخله‌گری دولت.
- پایه‌ای برای اقتصاد کلان مدرن.

**مزایا و معایب:**

- مزایا: ابزارهای مؤثر برای مقابله با رکود؛ توجه به بیکاری.
- معایب: خطر ایجاد تورم؛ وابستگی به تصمیمات سیاسی دولت.

**نکات امتحانی:**

- کینز کتاب "نظریه عمومی اشتغال، سود و پول" (1936) را نوشت.
- او گفت: "در بلندمدت، همه ما مرده‌ایم."

---

# 11. مکاتب پساکینزی و نئوکلاسیک پولی

### الف) نئوکلاسیک پولی (Monetarism)

- بنیان‌گذار: میلتون فریدمن (Milton Friedman)
- دیدگاه: تورم همیشه و همه‌جا یک پدیده پولی است. سیاست پولی باید بر اساس یک قاعده ثابت (مثل رشد ثابت عرضه پول) باشد، نه گسست‌های گسسته.
- واکنش به: ناتوانی کینزیسم در کنترل تورم در دهه 1970.
- نکته امتحانی: فریدمن "اثرات تأخیری" سیاست پولی را تأکید کرد.

### ب) مکاتب پساکینزی (Post-Keynesian)

- چهره‌های کلیدی: جوآن رابینسون، نیکلاس کالدور
- دیدگاه: تأکید بر عدم قطعیت ذاتی، ناهمگونی پول، و قدرت بازار (نه رقابت کامل).
- تفاوت با کینز اصلی: کینز واقعی رادیکال‌تر از آنچه در "سنتز نئوکلاسیک-کینزی" تفسیر شد.
- نکته امتحانی: آن‌ها "اقتصاد دوگانه" (رشد و توزیع) را مطرح کردند.

### مزایا و معایب کلی:

- نئوکلاسیک پولی: کنترل تورم را مؤثر دانست، اما در بحران‌های مالی (مثل 2008) ناتوان بود.
- پساکینزی: واقع‌بینانه‌تر از نئوکلاسیک، اما چارچوب سیاستی کمتر مشخصی دارد.

---

# جمع‌بندی نهایی و نکات کلیدی امتحانی

1. پدر علم اقتصاد: بر اساس فایل، ابن خلدون (نه آدام اسمیت) پدر علم اقتصاد است.
2. اولین مکتب اقتصادی: فیزیوکرات‌ها اولین مکتب سیستماتیک بودند.
3. قانون سِی: "عرضه، تقاضا را ایجاد می‌کند" — پایه مکتب کلاسیک.
4. انقلاب حدی: پایه مکتب نئوکلاسیک (1870).
5. کینز در مقابل کلاسیک: کینز بیکاری داوطلبانه را در بلندمدت ممکن دانست.
6. مارکس vs ریکاردو: هر دو نظریه ارزش کار داشتند، اما مارکس آن را برای نقد سرمایه‌داری به‌کار برد.
7. لیست: ناسیونالیست اقتصادی که "صنایع نوزاد" را مطرح کرد.
8. فیزیوکرات‌ها: تنها کشاورزی را بخش مولد می‌دانستند.
9. مرکانتیلیست‌ها: ثروت = طلا و نقره؛ صادرات > واردات.
10. افلاطون: جامعه طبقاتی؛ حکمرانان از اموال اشتراکی استفاده می‌کنند.